



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

اهداف و دستاوردهای روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی

استاد راهنما

دکتر الهه کولایی

استاد مشاور

دکتر جهانگیر کرمی

نگارش

احسان تقوایی نیا

پاییز ۱۳۹۰

تقدیم به

پدر و مادرم

تقدیر و تشکر

به رسم آیین و ادب بر خود لازم می دانم که از راهنمایی ها و همراهی استاد راهنمایم سرکار خانم دکتر الهه کولایی سپاسگزاری ویژه داشته باشم و محبت هایش را ارج نهم. همچنین مرهون استاد مشاورم جناب آقای دکتر جهانگیر کرمی هستم که در همه حال ، راهنمایی ها، توجه ها و حمایت های ارزنده خود را از من دریغ نکردند و همواره مرا مورد لطف و محبت خویش قرار داده اند. از استاد داور پایان نامه خود جناب آقای دکتر سید داود آقایی به خاطر قبول زحمت داوری این پایان نامه نیز نهایت سپاس و ادب را دارم.

در طی فرایند این پایان نامه بسیاری مرا کمک کرده اند که آوردن نام یکایک آنها در اینجا میسر نیست. اما بیش از هرکسی خود را مدیون خانم سارا خسروی سرخکلایی می دانم که در طی به سامان رسیدن این پایان نامه بیش از پیش مرا از الطاف خویش بهره مند ساخت و برایشان آرزوی جاودانگی در گستره زمان دارم. همچنین بر خود لازم می دانم که از برادرم علی تقوایی و دوستان عزیزم محسن احمدی و سلمان ایزدی که در مراحل مختلف این پایان نامه مرا یاری نموده اند کمال تشکر را داشته باشم و ضمن تکریم محبت هایشان موفقیت روزافزونشان را آرزومند باشم.

«یک با یک برابر نیست...»

تساوی اشتباهی فاحش و محض است

یک اگر با یک برابر بود،

پس که پیش ز برابر فقر خم می گشت؟

«یک با یک برابر نیست...»

چکیده

فروپاشی شوروی با استقلال ۱۵ جمهوری تشکیل دهنده آن به عنوان واحد های سیاسی مستقل همراه بود. جمهوری های بازمانده از فروپاشی شوروی در پیرامون فدراسیون روسیه مجموعه خارج نزدیک را به وجود می آورند که در برابر خارج دور یعنی دیگر کشورهای جهان مباحث جدیدی را در روابط خارجی این کشورها ایجاد کردند. خارج نزدیک برای روسیه دارای اولویت نخست است و در حوزه منافع حیاتی آن به شمار می رود. در پی این امر روسیه باید ضامن امنیت نظامی و ثبات سیاسی این کشورها باشد، بنابراین روسیه دارای مسولیت ویژه امنیتی است که باید اقدامات خود را برای حفظ و تامین صلح انجام دهد در پاسخ به سوال اصلی این پایان نامه که اهداف و دستاوردهای روسیه از ایجاد سازمان امنیت جمعی چیست؟ این فرضیه مطرح شد که اهداف و دستاوردها روسیه از تاسیس و ایجاد این سازمان نفوذ و کنترل سستی خود بر منطقه اوراسیای مرکزی بوده است. روش بررسی این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و در گردآوری اطلاعات آن از روش مطالعه اسنادی استفاده شده است. اهداف این تحقیق را می توان در مواردی از جمله: تبیین ترتیبات امنیتی در منطقه اوراسیای مرکزی، شناخت منافع امنیتی روسیه در منطقه اوراسیای مرکزی، شناخت و ریشه یابی چالش های امنیتی منطقه اوراسیای مرکزی و تاثیر گذاری چالش های سیاسی و امنیتی منطقه بر ایران دانست. این پایان نامه در ۵ فصل گردآوری شده است. در فصل اول به کلیات پژوهش پرداخته می شود. در فصل دوم بحث نظری در مورد امنیت و سازمانهای امنیتی مطرح می شود. در فصل سوم به سیاست های امنیتی روسیه در منطقه اوراسیای مرکزی خواهیم پرداخت. در فصل چهارم به ساختار و تحولات سازمان پیمان امنیت جمعی پرداخته می شود و در فصل پنجم که شاکله این تحقیق را تشکیل می دهد به اهداف، دستاوردهای روسیه از تاسیس و پایه گذاری سازمان پیمان امنیت جمعی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: روسیه، اوراسیای مرکزی، امنیت، سازمان پیمان امنیت جمعی

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: کلیات پژوهش
۲.....	طرح مسئله
۱۱.....	سوالات پژوهش
۱۲.....	فرضیه
۱۲.....	متغیرهای اصلی
۱۲.....	شاخص ها
۱۳.....	پیشینه پژوهش
۱۸.....	اهمیت پژوهش
۱۹.....	اهداف پژوهش
۱۹.....	کاربرد دست آوردهای پژوهش
۱۹.....	روش ها و فنون اجرای طرح
۲۰.....	سازماندهی پژوهش
۲۱.....	فصل دوم: مبانی نظری
۲۲.....	مقدمه
۲۲.....	۱- مفهوم امنیت
۲۶.....	۲- مفهوم امنیت جمعی
۲۹.....	۳- اتحاد
۳۵.....	۴- سازمان های منطقه ای

۳۷.....	۵- کارآمدی پیمان های امنیتی
۴۲.....	نتیجه
۴۳.....	فصل سوم: سیاست های امنیتی روسیه در خارج نزدیک
۴۴.....	مقدمه
۴۵.....	۱- اصول تفکر امنیتی روسیه
۴۸.....	۲- نگاه امنیتی روسیه به حوزه خارج نزدیک
۵۶.....	۳- مشکلات امنیتی روسیه در خارج نزدیک
۶۲.....	۴- عملکرد امنیتی روسیه در کشورهای خارج نزدیک
۶۵.....	۵- اهداف امنیتی روسیه در خارج نزدیک
۷۰.....	نتیجه
۷۲.....	فصل چهارم: ساختار و تحولات سازمان پیمان امنیت جمعی
۷۳.....	مقدمه
۷۳.....	۱- شکل گیری سازمان و تحولات آن
۸۵.....	۲- ساختار سازمان پیمان امنیت جمعی
۸۶.....	۳- ارکان سازمان پیمان امنیت جمعی
۸۷.....	۴- بحران قرقیزستان
۸۹.....	۵- اهمیت سازمان پیمان امنیت جمعی
۹۱.....	۶- مشکلات و چالش های سازمان پیمان امنیت جمعی
۹۵.....	۷- چشم انداز آینده سازمان پیمان امنیت جمعی

نتیجه	۱۰۰
فصل پنجم: اهداف و دستاوردهای روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی	۱۰۲
مقدمه	۱۰۳
۱- روسیه و سازمان پیمان امنیت جمعی	۱۰۳
۲- نیروهای واکنش سریع و روسیه	۱۱۱
۳- اهداف روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی	۱۱۳
۴- دستاوردهای سازمان پیمان امنیت جمعی برای روسیه	۱۲۱
۵- محدودیت ها و مشکلات روسیه در این سازمان	۱۲۸
نتیجه	۱۳۲
جمع بندی و نتیجه	۱۳۴
کتابشناسی	۱۴۶
ضمائم	۱۵۷

فصل اول

کلیات پژوهش

من نمی توانم رفتار روسیه را برای شما پیش بینی کنم. روسیه رازی است پیچیده
در رمزی در معمایی ...

(وینستون چرچیل، ۱۹۳۹)

طرح مسئله

فروپاشی شوروی با استقلال ۱۵ جمهوری تشکیل دهنده آن به عنوان واحد های سیاسی مستقل همراه بود. تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع^۱ که ۱۲ جمهوری غیر از جمهوری های بالتیک را در بر می گیرد روسیه را با مسائل جدی در سیاست خارجی خود مواجه کرد. جمهوری های بازمانده از فروپاشی شوروی در پیرامون فدراسیون روسیه مجموعه خارج نزدیک^۲ را به وجود می آورند که در برابر خارج دور یعنی دیگر کشورهای جهان مباحث جدیدی را در روابط خارجی این کشورها ایجاد کردند. خارج نزدیک برای روسیه دارای اولویت نخست است و در حوزه منافع حیاتی آن به شمار می رود. در پی این امر روسیه باید ضامن امنیت نظامی و ثبات سیاسی این کشورها باشد، بنابراین روسیه دارای مسولیت ویژه امنیتی است که باید اقدامات خود را برای حفظ و تامین صلح انجام دهد. در جریان شکل گیری ساختارها در منطقه اوراسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی، روسیه منافع خود را در ایفای سیاست فعال و سازنده در تعیین سیاست های نظامی، سیاسی و اقتصادی در خارج نزدیک می بیند (کولای، ۱۳۸۰: ۳۰۰).

در اوایل نیمه ۱۹۹۰ رهبران روسیه به طور واقعی نگرانی عمیقی درباره همکاری نزدیک به جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی نداشتند. این سیاستی بود که به وسیله ملاحظاتی که در آن عنوان می شد که روسیه نیاز دارد به سرعت اصلاح شود و هیچ نزدیکی با همکاری با کشورهای آسیای مرکزی نداشته باشد؛ هدایت می شد. حتی متخصصان آکادمیک به وسیله گفتن این که "داخل شدن در یک اتحاد ضد اصلاح با نخبگان محافظه کار بر سر قدرت در آسیای مرکزی" از این دیدگاه حمایت می کردند. این دیدگاه آشکارا قضاوتی نادرست در مورد موقعیت آسیای مرکزی بود. در

^۱. *Commonwealth of Independent States (CIS)*

^۲. *Near Abroad*

منظور از خارج نزدیک در سیاست خارجی روسیه جمهوری های سابق شوروی است. این اصطلاح پس از سپری شدن گرایش اولیه به غرب در سیاست خارجی روسیه مطرح شد.

نتیجه این واقعیت به وسیله چندین ملاحظه مانند: آرزوی پایدار جستجوی کمک از غرب و بیشتر مهم تر نارضایتی و بی میلی نسبت به پرداختن هر گونه پولی به محافظت کردن و نگهداری تاریخی آسیای مرکزی تحت تاثیر قرار داده شد. حفظ یک ارتباط عمیق با آسیای مرکزی مستلزم یک بار سنگین تقسیم کردن در سیاست؛ اقتصاد و زمینه های دفاعی خواهد بود که روسیه در بر عهده گرفتن این مسولیت بی میل بود (8: Paramonov and Povski, 2008).

این تفکر برتری یافت که همسایگان روسیه در آسیای مرکزی جمهوری های جدید بیگانه ای هستند. آشکارا چنین رویکردی وجود داشت که هیچ قدرتی موقعیت روسیه را در منطقه ندارد و نمی تواند به چالش های امنیتی این کشور بیفزاید. با این همه یک سوالی برای بازماندگان جمهوری های آسیای مرکزی مطرح بود که آنها احساس می کردند که مجبور هستند که برای فرصت های توسعه به شرکای جدید نگاه کنند و به فکر همکاری درون منطقه ای باشند. (Sashikant, 2003: 200). اما این تفکرها و رویکردها دوام چندانی نیافت و روسها به این حقیقت سخت واقف گردیدند که در تعقیب هدف قدرت بزرگ نیازمند ارتباط و مشارکت اجتناب ناپذیر با آسیای مرکزی است. بروز مشکلات فراوان امنیتی در این جمهوری ها و خطراتی که برای منافع روسیه داشت باعث شد روسها دوباره این منطقه را در اولویت نخست سیاست خارجی خود قرار دهند و با هرگونه بی نظمی و ناآرامی در این منطقه و اکنش نشان بدهند.

با وجود فروپاشی شوروی و جدایی آسیای مرکزی و قفقاز از پیکره این کشور، اهمیت بنیادین و استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز همچنان برای مسکو حفظ شد. روسها که وامدار یک اندیشه تاریخی و استراتژیک در قبال این منطقه بودند، از سیره گذشتگان پیروی کردند. تحولات سیاسی پس از فروپاشی نیز نشان نمی دهد که در اولویت های سیاستمداران مسکو در نگرش به آسیای مرکزی و قفقاز تغییراتی اصولی ایجاد شده باشد. ریشه این سنت دیرپا را باید در باور برخی از نخبگان روسی جستجو کرد که براین اعتقادند نفوذ و حضور روسیه در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می تواند تامین کننده منافع روسها باشد. (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). پس از کودتای اوت ۱۹۹۱ و در آغاز فروپاشی شوروی ارتش این امپراتوری عظیم نیز دستخوش دگرگونی شد. عدم توافق درباره وضعیت آتی نیروهای نظامی اتحادیه جدید جمهوری ها در نخستین نشست های سران آشکار شد و حضور

سربازان روسی در این جمهوری ها یکی از مباحث اصلی رهبران جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع شد. نکته مهم در روابط جمهوری های آسیای مرکزی تلاش روسیه برای ایفای نقش نیروهای حافظ صلح در منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع بوده است. برای رهبران روسیه کشورهای خارج نزدیک اهمیت اساسی داشته و در حوزه منافع حیاتی روسیه محسوب می شوند (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۷).

یکی از پیامدهای اساسی فروپاشی شوروی برای روسیه در مورد نیروهای مسلح بود. با فروپاشی شوروی دولت های جدیدی به جای دولت سابق ایجاد شدند که از منافع متفاوت و اهداف ناهمگون برخوردار بودند و این امر باعث پیدایش تصورات گوناگون درباره خطر و نتایج آن و همچنین امنیت منطقه ای شد. در نتیجه روسیه تلاش کرد تا نیروهای نظامی سابق را تحت عنوان نیروهای نظامی مشترک کشورهای مستقل مشترک المنافع حفظ نماید. هدف از ائتلاف چنین نیروهایی برقراری صلح و امنیت در منطقه و حفاظت از مرزهای مشترک بود. بر این اساس یکی از بحث های مطرح در روسیه پس از فروپاشی، طرح عرصه منافع امنیتی در حوزه شوروی است. به همین جهت در سال ۱۹۹۲ اولین استراتژی روسیه تدوین شد که در آن از حوزه جغرافیایی شوروی به عنوان حوزه امنیتی روسیه نام برده شد.

اوراسیای مرکزی به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود جزء حساس ترین و مهمترین مناطق در دنیا به حساب می آید. این منطقه با گذشت دو دهه از استقلال هنوز هم از مناطق استراتژیک جهان محسوب می شود. در میان کشورهای این منطقه هرکدام با یکسان بودن شرایط نو استقلال یافتگی از لحاظ اقتصادی، فرهنگی و شرایط تهدیدات و رفع تهدیدات دارای واقعیت های مختلفی هستند. این کشورها در عین این که دارای ویژگی هایی مشترکی از قبیل چگونگی روابط با روسیه، بنیادگرایی اسلامی، جنایات سازمان یافته، تدوین استراتژی های امنیتی و آیین های نظامی هستند؛ اما در نوع برخورد با مسائل امنیتی و تهدیدات پیش رو هرکدام تعریف خاصی برای خود دارند و نگرش آنها به ترتیبات امنیتی محل افتراق در موضع گیری این جمهوری ها محسوب می گردد.

تنظیم روابط با قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای از جمله روسیه یکی از موضوع های مهم در روابط خارجی دولت های آسیای مرکزی و قفقاز پس از استقلال بوده است. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل مشکلات داخلی و دغدغه های امنیتی و به منظور تامین منافع خود در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره از استراتژی اتحاد و ائتلاف برای پیشینه کردن منافع خود استقبال کرده اند. با توجه به این که هنوز فرهنگ همکاری چندجانبه در میان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نهادینه نشده و از طرفی برخی خصومت ها و مشکلات در زمینه همکاری میان دولت های منطقه وجود دارد، یک عامل مهم و در واقع یک نفع مشترک باعث شده است که آن ها از همکاری با تشکل های چندجانبه استقبال کنند. این عامل حفظ و بقای حکومت است که عمده تاً از سوی تروریسم، افراط گرایی^۱، اختلاف های قومی و نژادی، جدایی طلبی و ناکارآمدی تهدید می شود. مسائل آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل پیچیدگی و درهم تنیدگی فقط از طریق روابط دوجانبه قابل حل و فصل نیست. از همین رو، همکاری چندجانبه میان دولت های منطقه و یا همکاری با سازمان ها و اتحادیه های دیگر به عنوان یک استراتژی در روابط خارجی کشورهای این منطقه مطرح است.

پیمان امنیت جمعی^۲ در ۱۵ مه ۱۹۹۲ و کمتر از یک سال پس از فروپاشی شوروی و با شرکت شش کشور از کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع شامل روسیه، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ارمنستان در شهر دوشنبه پایتخت ازبکستان بسته شد (Saad, 2005). تحولات رخ داده در این سازمان از این قرار است که آذربایجان در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۳، گرجستان در ۹ دسامبر ۱۹۹۳ و روسیه سفید در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ این پیمان را امضا کردند و پیمان مذکور، از ۲۰ آوریل ۱۹۹۴ به طور رسمی فعالیتش را آغاز کرد. مدت فعالیت این سازمان در ابتدا، پنج سال در صورت عدم تمدید پیمان توسط کشورهای عضو تعیین شده بود. در ۲ آوریل ۱۹۹۹ تنها شش کشور عضو، پروتکلی را مبنی بر تجدید پیمان برای پنج سال دیگر امضا نمودند، اما سه عضو دیگر که عبارت از آذربایجان، گرجستان و ازبکستان بودند، از امضای این پروتکل خود داری نموده و از این پیمان مذکور خارج شدند. (سایت رسمی سازمان پیمان امنیت جمعی)

^۱. Extremism

^۲. Collective Security Treaty (CST)

http://www.dkb.gov.ru/start/index_aengl.htm

در ۷ اکتبر ۲۰۰۲ نام این پیمان به سازمان پیمان امنیت جمعی^۱ تغییر یافته و از تاریخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۳ با این نام فعالیت می کند. دفتر مرکزی این سازمان در شهر مسکو است و زبان رسمی آن نیز روسی است. در ۶ اکتبر ۲۰۰۷ اعضای این اعضای سازمان با توسعه بیشتر این سازمان موافقت کردند و زمینه را برای شکل گیری یک نیروی حافظ صلح که زیر نظر سازمان ملل و در یکی از کشورهای عضو بدون نظارت سازمان ملل مستقر گردد، فراهم شد. (سایت رسمی سازمان)

http://www.dkb.gov.ru/start/index_aengl.htm

هرچند پیمان امنیت دسته جمعی کشورهای مستقل مشترک المنافع در ۱۵ مه ۱۹۹۲ به امضا رسید، اما به دلیل این که تمامی کشورها آن را امضا نکردند و نیز جدایی برخی کشورها از آن و همچنین برخی مشکلات دیگر، این پیمان نتوانست نقش مورد نظر را ایفا کند. در چنین شرایطی در نشست آوریل ۲۰۰۳ در عشق‌آباد و روسیه به همراه ۵ کشور ارمنستان، روسیه سفید، قزاقستان و قرقیزستان و تاجیکستان سازمان پیمان امنیت جمعی را به وجود آوردند. این پیمان که در واقع برآمده از همان امنیت جمعی امضاء شده در سال ۱۹۹۲ بود در پی آن بوده تا کشورهای عضو را در مواجهه با مشکلات امنیتی و نیز قاچاق مواد مخدر یاری رساند و از این نظر برخوردی منسجم و دسته جمعی فرصت تازه‌ای برای امضاکنندگان این پیمان برای تقویت بیشتر همکاری های استراتژیک میان خود و در عین حال برای روسیه به منظور حفظ موقعیت خود در منطقه بود. این پیمان و این سازمان جدید که افسران روسی نقش محوری در آن داشته اند، متعهد به ایجاد نهادهای مسئول برای مدیریت بودجه و طراحی نظامی استراتژیک شدند و در همین چارچوب توجه زیادی به تمرکز نهادها و نیز منابع در آسیای مرکزی به چشم می خورد که به عنوان مثال می توان به نیروهای واکنش سریع^۲ که در پایگاه نظامی روسیه در تأسیسات شهر کانت قرقیزستان اشاره کرد.

به منظور افزایش اثربخشی این پیمان سران دولت های عضو در سال ۲۰۰۰ تعدادی از اسناد را در مینسک مورد تصویب قرار دادند. به عنوان مثال تفاهم نامه " افزایش اثربخشی پیمان امنیت جمعی که

^۱ Collective Security Treaty Organization(CSTO)

^۱.Rapid Reaction Forces(RRF)

توانایی وفق دادن خود با تحولات ژئوپلیتیک و مدلی برای ایجاد سیستم های امنیتی منطقه ای که هر دو به ترویج مبارزه با تروریسم و نیاز به ساختن سریع نیروهای حافظ صلح را نشان می داد، منعقد شد. شورای امنیت جمعی یکی از عالی ترین ارکان این پیمان نیز تصمیم به تعریف سه منطقه امنیتی اروپا، قفقاز و آسیای مرکزی نمود. در اجلاس بیشکک در اکتبر ۲۰۰۰ سران عضو تصمیم گرفتند که پس از ۵ سال یک نیروی امنیتی جمعی ایجاد کنند. بنابراین در مه ۲۰۰۱ در ایروان اعضای کشورهای عضو سازمان پیمان امنیت جمعی دست به ایجاد یک نیروی واکنش سریع به منظور ارائه پاسخ به حملات تروریستی کردند. (Ionela pop, 2009, 281)

دولت های امضا کننده پیمان، انجام مشورت های دائمی با یکدیگر در مورد مسائل مهم امنیتی در سطوح بین المللی و هماهنگی در قبال مواضع شان را مورد پذیرش قرار دادند. طبق ماده ۲ پیمان در هنگام بروز تهدید علیه تمامیت ارضی و حاکمیت یکی از دولت ههای عضو یا صلح و امنیت بین المللی، دولت های عضو به منظور هماهنگ ساختن اقدامات و مواضع خود از ساز و کار مشورت دسته جمعی بهره می گیرند. با این حال این پیمان راهکارهای اجرای نتایج این مشورت ها را تعیین نساخته است. مهمترین تعهد کشورهای امضا کننده با بهره گیری از ماده ۵ پیمان ناتو، بر این اصل استوار است که هر گونه تهاجم به یکی از اعضا در حکم حمله به تمامی اعضا تلقی می شود. در مقابل تجاوز به یک عضو، سایر اعضا موظف هستند کمک های لازم را اعم از کمک های نظامی و غیره را در اختیار عضو مورد تجاوز قرار گرفته قرار دهند.

این پیمان موید تمایل دولت های شرکت کننده به خودداری از استفاده از زور بود. امضا کنندگان این پیمان حق پیوستن به پیمان نظامی دیگری را نداشتند و حمله نظامی به یکی از امضا کنندگان پیمان، به منزله تعرض به تمامی امضا کنندگان تلقی می شد. امضا کنندگان پیمان تاشکند که توجه شان به طرف تهدیدهای خارجی معطوف شده بود، از به کار گیری نیروها علیه یکدیگر بر حذر داشته شدند و مقرر شد تا در مسائل امنیتی مهم با یکدیگر مشورت و کمک کنند. (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۹، ۱۹)

چنین پیمانی از جهت تضمین ادامه روابط امنیتی و نظامی نزدیک با کشورهای جدید در قلمرو روسیه و نیز برای ضمانت یک موقعیت برتر آتی برای روسیه دارای اهمیت بود. (آلسون، ۱۳۸۲: ۱۵۰). ایجاد سازمان امنیت جمعی نشان از عدم تمایل روسیه به محاصره آسیای مرکزی توسط آمریکا است. روسیه با ایجاد تحول در این سازمان می تواند حضور موثر تر خود را در آسیای مرکزی به اثبات برساند. (اشنایدر، ۲۰۱: ۱۳۸۱).

واقعیت این است که سازمان پیمان امنیت جمعی از زمان تاسیس تاکنون، با وجود برخی از چالش‌ها که این پیمان با آن رو به رو بوده است، همواره تلاش کرده تا در جامعه جهانی جایگاه خاصی را به دست آورد. روسیه به عنوان کشور محوری در این پیمان برای تقویت جایگاه سازمان پیمان امنیت جمعی تلاش فراوانی به خرج داده است. به عقیده کارشناسان تاسیس نیروهای واکنش سریع پیمان یادشده هرچند با مخالفت برخی از کشورهای عضو مانند ازبکستان و روسیه سفید مواجه شد، اما از دستاوردهای این سازمان محسوب می شود. علاوه بر این تلاش این پیمان برای گسترش همکاری با سازمانهای بانفوذ بین المللی از دیگر موفقیت های آن تلقی می شود. اهداف روسیه را با توجه به اینکه این پیمان نخستین تلاش روسیه برای تغییر ساختار امنیتی باز مانده از فضای شوروی بود، را می توان در مواردی از جمله حفظ نفوذ و کنترل سنتی خود بر منطقه، جلوگیری از گسترش نفوذ و قدرت یابی رقبای خود مانند آمریکا، ناتو و حتی چین از طریق ایجاد روابط نظامی گسترده تر و طرح تعهدهای بیشتر و جدی تر، کنترل تاسیس پایگاه های نظامی از سوی آمریکا و ناتو در منطقه با جلب همکاری کشورهای عضو به فعالیت بیشتر در این پیمان، تلاش روسیه برای کنترل مسیرهای انتقال انرژی و منابع انرژی منطقه که از طریق گسترش حوزه فعالیت پیمان این کنترل نیز افزایش می یابد، خلاصه کرد. (ترینین، ۱۳۸۹: ۳).

روسیه به صورت مستمر و پیگیر تلاش کرده است سازمان پیمان امنیت جمعی را از یک سازمان نمادین سیاسی به یک اتحاد امنیتی و نظامی منسجم تبدیل کند. صف مقدم این تلاش روسیه منجر به ایجاد یک نیروی واکنش سریع سازمان پیمان امنیت جمعی که بزرگترین دسته بندی نظامی در آسیای مرکزی است شده است. در حالی که هر دو طرح هنوز در مراحل اولیه توسعه خود هستند نظامی از اتحاد سازمان امنیت جمعی و انتقال آن به یک سازمان امنیتی معتبر می تواند توانایی های کرملین را

به منظور محدود کردن نفوذ ایالات متحده و غرب در اوراسیا را تقویت کند. همچنین روسیه می‌تواند توانایی‌های خود را برای افزایش کنترل خود بر کشورهای سابق اتحاد شوروی گسترش دهد و دوباره دست به ائتلافی شبیه به پیمان ورشو بزند (Mowchan, 2009: 2).

تاسیس نیروهای واکنش سریع سازمان پیمان امنیت جمعی تصویری از نفوذ گسترده روسیه در آسیای مرکزی است. با تاکید بر تهدیدهای از جانب افغانستان و مشکلات ناتو در مدیریت وضعیت منطقه، روسیه بر تلاش خود برای به تصویر کشیدن بهتر امنیت در منطقه اوراسیای مرکزی ادامه می‌دهد. موفقیت روسیه جهت نفوذ در کشورهای مستقل مشترک المنافع از طریق تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی و نیز علاقه جدید این کشور در افغانستان به معنای شکست هزینه استراتژی‌های اروپایی و آمریکایی در این زمینه خواهد بود. این نکته را باید مورد تاکید قرار داد که اگر اتحادیه اروپا، ناتو و آمریکا مایل به حفظ نفوذ خود در کشورهای مستقل مشترک المنافع هستند باید آماده نشان دادن هماهنگی و انعطاف پذیری با روسیه باشند.

روسیه در هر حال ممکن سازمان پیمان امنیت جمعی را به عنوان یک ابزار، جهت حفظ ثبات و تامین امنیت در منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع با تمرکز بر تطبیق سازمان پیمان امنیت جمعی به عنوان یک بدنه ادغام چند منظوره به محیط در حال تغییر و همچنین حصول اطمینان از کشورهای عضو این سازمان به اقدامات فوری و موثر مشترک و تبدیل سازمان پیمان امنیت جمعی به یک نهاد مرکزی برای تامین امنیت در منطقه ای که این کشور دارای مسولیت می باشد، ارتقاء بخشد.

(<http://archive.kremlin.ru/eng/text/docs/2008/07/204750.shtml>)

روسیه با وجود وجود چالش‌های جدید می‌کوشد تا امنیت و قدرت از دست رفته خود را که ناشی از فروپاشی شوروی بوده را باز یابد. در طول سالهای پس از فروپاشی شوروی تغییرهای زیادی صورت گرفته است. در حالی که اقدامات جمعی و احترام به مقام و موقعیت روسیه پس از فروپاشی در مرتبه پایینی قرار داشت، اما هم اکنون روسیه دوباره به درجه‌ای از حاکمیت و ثبات رسیده است که این کشور را قادر می‌سازد تا به تجدید روابط نظامی قدیمی خود با کشورهای بر جای مانده از

فروپاشی شوروی و تحت عناوین مبارزه علیه تروریسم و افراط گرایی پردازد. تحول در سازمان امنیت جمعی نشان دهنده این تغییرها می باشد (Weinstein, 2007: 5).

با وجود فروپاشی غیر منتظره اتحاد شوروی، فدراسیون روسیه هنوز هم در تئوری یک قدرت بزرگ نظامی محسوب می شود. عملا و با این حال بزرگترین کشور بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی برای حفظ قدرت خود نیازمند همکاری گسترده با همتایان خود است. علاوه بر این بعد از فروپاشی شوروی بسیاری از سلاح های هسته ای تاکتیکی و استراتژیکی به طور گسترده در سراسر اوکراین، قزاقستان و روسیه سفید پراکنده شده بودند و لازم بود تا با این کشورها توافقاتی جهت انتقال این سلاح ها به داخل روسیه انجام شود.

توسعه همکاری با کشورهای منطقه در زمینه های دفاعی و امنیتی احتمالا اصلی ترین وسیله مسکو جهت طرح ریزی نفوذ خود در منطقه خواهد بود. این سیاست می تواند در بالا بردن موقعیت جهانی روسیه موثر واقع شود. امروزه روسیه به شدت به کشورهای منطقه جهت همکاری های دوجانبه با این کشور و راه اندازی یک سیستم امنیت منطقه ای فشار می آورد. در همین راستا در سال ۲۰۰۷ و طی یک ابتکار عمل از سوی روسیه دو دسته از اسناد برای فعالیت های صلح طلبی سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین مسائل دفاعی مورد موافقت قرار گرفت (Paramanov, 2008: 18).

تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی فرایند و ابزاری است که روسیه برای ارتقاء برتری خود در خارج نزدیک از آن استفاده می کند. در این میان بدتر شدن وضعیت امنیتی در افغانستان، وابستگی انرژی اتحادیه اروپا به روسیه و همچنین جنگ روسیه با گرجستان امکان مانور برای کشورهای مستقل مشترک المنافع را محدود کرده است. تقویت سازمان پیمان امنیت جمعی به خصوص از راه ایجاد نیروهای واکنش سریع از برنامه های مهم روسیه به شمار می رود. به گفته مقامات روسی سازمان پیمان امنیت جمعی نیاز به مشارکت برابر با ناتو در افغانستان دارد. البته این امر به این مسئله بستگی دارد که تقویت پیمان امنیت جمعی در اوراسیا به محدود کردن روابط بین جمهوری های سابق شوروی با اتحادیه اروپا و ناتو منجر شود.

در شرایط گسترش ناتو به سوی شرق تحکیم و بهبود کارکردهای این سازمان و نزدیکی آن با سی آی اس به خوبی تامین کننده دیدگاه های روسیه است. بسیاری از مقام های سازمان امنیت جمعی از نیروهای نظامی دوران اتحاد شوروی به عنوان نیروهای نمونه یاد می کنند. این در حالی است که برخی از تحلیل گران همگرایی نیروهای سی آی اس را یادآور همگرایی دوران اتحاد شوروی و نقش مسکو در آن برآورد می کنند (کولایی ، ۱۳۸۹ ، ۳۲۴)

بدین ترتیب مجموعه مسائل ذکر شده گویای این حقیقت است که روسیه به عنوان کشور محوری در سازمان پیمان امنیت جمعی همواره سعی دارد تا از یک سو توانمندی نظامی این پیمان را با برگزاری رزمایش و مانورهای نظامی ارتقا بخشد و از سوی دیگر با گسترش همکاری با سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل، جایگاه بین المللی پیمان یاد شده را تحکیم بخشد. این هم در حالی است که برخی از کارشناسان معتقدند، پیمان امنیت جمعی در آینده می تواند به یک نهاد صرف نظامی برای مقابله با نفوذ قدرت های فرامنطقه ای نظیر کشورهای عضو ناتو در منطقه تبدیل یابد. به هر حال آنچه مسلم است این است که روسیه در هر صورت برای حفظ قدرت و نفوذ خود در منطقه به یک چنین نهادی نظیر سازمان پیمان امنیت جمعی نیاز دارد.

سوالات پژوهش

الف: سوال اصلی

اهداف و دستاوردهای روسیه از ایجاد سازمان پیمان امنیت جمعی چه بوده است؟

ب: سوالات فرعی

۱- علت و زمینه های تشکیل سازمانهای امنیتی چیست و چرا کشورها به سازمانهای امنیتی می پیوندند؟

۲- سازمان پیمان امنیت جمعی چگونه تشکیل شد و ساختار تشکیلاتی آن چیست؟

۳- سازمان پیمان امنیت جمعی تاکنون چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟

۴- چرا سازمان پیمان امنیت جمعی در موضوع قرقیزستان وارد عمل نشد؟

۵-سیاست های امنیتی روسیه در کشورهای "خارج نزدیک" چه اصول و اهدافی دارد؟

فرضیه

اهداف و دستاوردهای روسیه از تاسیس و پایه گذاری سازمان امنیت دسته جمعی، نفوذ و کنترل سستی خود بر منطقه اوراسیای مرکزی بوده است.

متغیرهای اصلی

متغیر مستقل: تاسیس سازمان امنیت جمعی

متغیر وابسته: نفوذ و کنترل بر منطقه اوراسیای مرکزی

شاخص ها

حفظ نفوذ روسیه در اوراسیای مرکزی

با وجود فروپاشی شوروی و جدایی منطقه اوراسیای مرکزی از این کشور، اهمیت بنیادین و استراتژیک اوراسیای مرکزی همچنان برای مسکو حفظ شد. روس ها به این نتیجه رسیدند که برای پیشبرد اهداف خود باید نفوذ سستی خود بر این منطقه را حفظ کنند. روسیه برای مقابله با تهدید های برخاسته از وضعیت جدید منطقه و حفظ منافع خود، مجموعه ای از اقدامات شامل مکانیسم های چندجانبه، دو جانبه و یا برخی اقدامات یک جانبه را انجام داده است.

کنترل امنیتی اوراسیای مرکزی توسط روسیه

منطقه اوراسیای مرکزی از اولویت اول در سیاست خارجی فدراسیون روسیه برخوردار است. این منطقه به عنوان یک حوزه حائل از جایگاه ویژه ای در سیاست امنیت ملی روسیه برخوردار است. سیاست امنیتی روسیه در این منطقه، علاوه بر منافع منطقه ای عمدتاً معطوف به تامین امنیت برای مرزهای فدراسیون روسیه و جلوگیری از سرایت بحران ها و نا امنی ها به داخل سرزمین روسیه بوده است.